

خونین ترین سانحه رانندگی در شاهراه کابل-غزنی



سانحه رانندگی در شاهراه کابل - غزنی ۵۲ کشته و زخمی برجا گذاشت. دفتر مطبوعاتی والی «میدان وردک» در جنوب کشور از وقوع خونین ترین سانحه رانندگی در شاهراه کابل-غزنی خبر داد. دفتر مطبوعاتی والی میدان وردک روز گذشته با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در نتیجه یک سانحه رانندگی در این ولایت ۵۲ نفر کشته و زخمی شدند. در این اطلاعیه آمده است: بر اثر برخورد دو موتر مسافربری در منطقه «نرخ» این ولایت ۱۷ نفر کشته و ۳۵ نفر دیگر زخمی شدند که در میان کشته و زخمی شده‌ها زنان و کودکان نیز دیده می‌شوند. شاهراه کابل - غزنی که از ولایت میدان وردک می‌گذرد یکی از شاهراه‌های مرگبار کشور به شمار می‌رود که همواره سانحه رانندگی خونینی در مسیر این بزرگراه رخ داده است. سه روز پیش نیز دو موتر باربری در همین بزرگراه با یکدیگر برخورد کردند که راننده‌های هر دو موتر کشته شدند.

شماره ۸۸۹ سال پنجم * شنبه ۲۹ سنبله ۱۳۹۳ * ۲۵ ذیقعدہ الحرام ۱۴۳۵ * ۲۰ سپتمبر ۲۰۱۴

نامزدان در یک قدمی توافق



کاندیداهای ریاست جمهوری از پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در تشکیل دولت وحدت ملی در نشست روز گذشته با بزرگان جهادی و سیاسی کشور خبر دادند. دفتر مطبوعاتی کاخ ریاست جمهوری با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد نشست روز جمعه بزرگان جهادی و سیاسی در کاخ ریاست جمهوری این کشور با هر دو کاندیدای ریاست جمهوری پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است. بر اساس اطلاعیه در این جلسه رهبران جهادی و سران قوای سه گانه دولت با کاندیداهای ریاست جمهوری «اشرف غنی احمدزی» و «عبدالله عبدالله» در حضور «حامد کرزی» رئیس جمهور افغانستان و معاونان آن دیدار و گفت‌گو کردند. کاندیداهای ریاست جمهوری در این نشست از پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در گفت‌وگوها برای پایان دادن به بن بست کنونی و ایجاد تشکیل دولت وحدت ملی خبر داده و تأکید کردند که به زودی این روند نهایی خواهد شد.

بهره برداری از ساختمان چهار مکتب در غور

ساختمان چهار مکتب که با کمک مالی نزدیک به ۵۰ میلیون افغانی کشور جاپان ساخته شده به تازگی به بهره برداری سپرده شد. مقام‌های محلی ولایت غور می‌گویند که با بهره برداری این چهار ساختمان، نزدیک به دو هزار شاگرد که در زیر خیمه‌ها درس می‌خواندند، از این ساختمان‌ها استفاده خواهند کرد. عبدالرحی خطیبی، سخنگوی والی غور به خبرگزاری



بخدی گفته است که ساختمان هر مکتب ۸ صنف درسی، اتاق‌های اداری و تجهیزات کامل دارد که در مناطق کندوبال، شهرک مهاجرین، اشترخان و بهاری در شهر فیروز کوه، مرکز این ولایت به شکل اساسی ساخته شده است. او می‌گوید که این مکاتب در مجموع با هزینه ۴۴ میلیون افغانی از بودجه کشور جاپان ساخته شده که مشکلات ۱۹۰۰ دانش آموز در غور را حل کرده است. گفته می‌شود که زمین این ساختمان‌ها که حدود دو جریب است از سوی مردم برای ساخت مکتب اهدا شده بود و از چهار مکتبی که ساخته شده یک ساختمان به دختران اختصاص داده شده است. ولایت غور در غرب کشور از ولایت‌هایی است که باشندگان این کشور نسبت به ولایت‌های دیگر کم‌تر شاهد راه اندازی پروژه‌های انکشافی و بازسازی بوده است. گفته می‌شود که بیش تر شهروندان غور تا هنوز از امکانات شهری محروم هستند.

کمیسیون مستقل انتخابات فیصله نهایی کمیسیون شکایات انتخاباتی را پذیرفت

کمیسیون مستقل انتخابات می‌گوید که این کمیسیون، فیصله نهایی کمیسیون شکایات انتخاباتی را پذیرفته است. محمد عزیز بختیاری، عضو کمیسیون مستقل انتخابات به آژانس خبری



پژواک گفته است که فیصله کمیسیون شکایات انتخاباتی بنابر مشخص نبودن دلایل ابطال آرای ۱۱۸ محل از سوی کمیسیون انتخابات رد شد. وی گفته است: «کمیسیون شکایات انتخاباتی دلایلی که این صندوق را باطل اعلام کرده است، برای ما نفرستاده، بعد از نشستی که داشتیم فردا آن را دوباره به کمیسیون شکایات می‌فرستیم تا دلایل اش را مشخص سازند.» وی افزود که به دلیل اینکه توضیحات و دلایل این ۱۱۸ صندوق روشن نیست، احتمال می‌رود نتایج انتخابات امروز اعلام نشود. بختیاری در مورد که اینکه چرا این کمیسیون فیصله نهایی کمیسیون

اتمام برنامه نظامی امریکا در افغانستان

خروج نیروهای امریکا از افغانستان به این معنا نیست که دیگر تهدیدها در برابر ما به پایان خواهد رسید. باراک اوباما مدتی قبل در صحبت‌های خود گفته بود: پس از اتمام سال ۲۰۱۴ میلادی، ۹ هزار و ۸۰۰ سرباز امریکایی در افغانستان برای ادامه حضور خود در کشور مستقر خواهد بود. چندی پیش ناتو نیز اعلام کرد که تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی کلیه نیروهای خود را از افغانستان



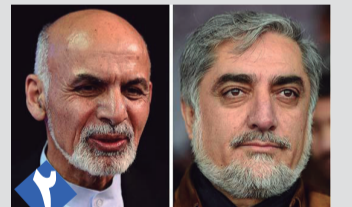
خارج می‌کند. مقامات ناتو اعلام کردند: با خروج ناتو از افغانستان، تعدادی از نیروهای آنان برای آموزش و مشاوره در امور نظامی و امنیتی در کشور باقی خواهند ماند.

سخن اول

دیدار خوب و آینده تاریک



مردم می‌میرند، شما مذاکره کنید!



صلح ادبیات، جنگ سیاست



تعهد اجتماعی در ادبیات



سامری‌ها فریب مان دادند

هموطن عزیز!

شرکت سیاحتی و توریستی «ماهان سیر» خدمات اخذ ویزه تحصیلی کانادا و امریکا را با همکاری آژانس بین‌المللی مهاجرتی (world wide immigration service) با شرایط سهل و اطمینان کامل برای شما میسر ساخته است. بیایید در راستای شکوفایی استعدادهای خود گام برداشته و با ما همگام شوید.
ایمیل آدرس: o_momand@yahoo.com
شماره تلفن: ۰۰۹۳-۷۷۱۷۳۱۶۱۰
آدرس دفتر: سرک دهم وزیر اکبرخان روبروی شفاخانه صحت طفل



مردم می‌میرند،

شما مذاکره کنید!

علی «سینا»

سخن اول

دیدار خوب و آینده تاریک

ارگ ریاست جمهوری دیروز برای چندمین بار میزبان کاندیداهای ریاست جمهوری بود با این تفاوت که در این دیدار علاوه بر نامزدان ریاست جمهوری و رئیس جمهور حامد کرزی، سران قوای سه گانه و شماری از سران جهادی نیز حضور داشتند.

اما درحالی که بیانیه ارگ ریاست جمهوری از خوش بینی‌ها و پیشرفت‌های قابل ملاحظه برای توافق نهایی سخن می‌گوید، گفته‌ها و شنیده‌ها از آن حکایت دارد که پیشرفتی در این دیدار به دست نیامده و دو طرف از موضع خود برسر نحوه اعلام نتایج نهایی و تقسیم پنج‌ه - پنج‌ه قدرت، یک قدم هم عقب نشستند.

ظاهراً بیانیه ارگ ریاست جمهوری به مثابه یک بیانیه سیاسی می‌ماند که از پشتوانه‌ی چندانی برخوردار نیست و بیشتر در حد تعارف و از باب خالی نماندن عریضه است و الا باید مشخص می‌شد که این پیشرفت‌ها در دو مورد اصلی اختلاف؛ یعنی چگونگی اعلام نتایج نهایی انتخابات و تقسیم مساویانه قدرت در چه حدی بوده و به چه پیمانۀ توافقی نهایی حاصل شده است. این سردرگمی در پایان دادن به بازی انتخاباتی در حالی رو به تاریکی روان است که فرستاده ویژه سازمان ملل متحد هم در گزارشی به شورای امنیت این سازمان از آینده مبهم و ناپیدا یمناک است او گفته اگر پیش از اعلام نتایج نهایی برسر تشکیل دولت وحدت ملی توافقی صورت نگیرد احتمال بروز بحران شدید و جنگ داخلی دور از تصور نیست!

با این حال کاندیداهای ریاست جمهوری و طرفداران شان بی خیال از تمام این همه دل نگرانی‌ها و دغدغه‌های هراس آلود ملی و بین‌المللی، به بازی برد و باخت می‌اندیشند؛ بازی که هدف از آن به کرسی نشاندن موضع و خواسته‌های تیم و ستاد انتخاباتی شان است در حالی که در بازی‌های سیاسی، احترام به خطوط سرخ که همانا پای بندی به قانون به عنوان مینای ملی، عبورناپذیر و نجات کشور از فرسایش شکننده و غیر قابل تحمل، اصل مورد وفاق و غیر قابل خدشه اند اما گویا هم قانون و هم مردم به عنوان دو رکن اصلی در نظام سیاسی، اکنون برای کاندیدایا به پیشیزی هم اهمیت ندارند و هر دو نامزد فقط و فقط به بازی برد و باخت فکر می‌کنند!

در چنین شرایطی اگر کاندیدایا نگاه شان به موضع و موقف انتخاباتی شان نگاه حیثیتی و ابرویی باشد یقیناً تلاش‌های ملی و بین‌المللی ره به جایی نخواهند برد، زیرا عبور از موقفی به این پیمانۀ عزتمندانه، در واقع عبور از عزت و حیثیت سیاسی شان است اما اگر این دو تن قانون را معیار قرار دهند و دلواپسی‌ها و نگرانی‌های مرگبار مردم و جامعه را ملاک آینده حکمروایی شان قرار بدهند شک نباید کرد که به خاطر مردم و حفظ جایگاه بلند قانون از موضع رسمی شان کوتاه خواهند نشست و برسر میز امضای توافقی خواهند نشست اینکه بیش از شش ماه هست که مردم کشور بدترین نگرانی‌ها را تجربه می‌کنند و هنوز فرمانروایان آینده به برد برد رضایت نمی‌دهند، حتی با توافقی برسر تشکیل دولت وحدت ملی هم نمی‌توان زیاد امیدوار بود و تصور کرد که آینده بهتر از گذشته خواهند داشت.

همه روزه از میزهای گرم مذاکره سخن گفته و از میزبانی خوب ارگ ریاست جمهوری یا سفارت‌های خارجی سخن می‌گویند. پس بهتر است با این عالی جنابان گفته شود که «مردم می‌میرند، شما مذاکره کنید.»

بهرتر این است تا رهبران سیاسی که در صدر تصمیم‌گیری این پروسه قرار دارند، با تن دادن

عمل کردنش کار را به جایی رسانده است که اکنون مردم به هر سازوکاری که بتواند به این پروسه‌ی خسته کننده پایان ببخشد، راضی هستند و مجری این برنامه را قهرمان ملی خواهند نامید. زیرا مردم به شدت از تماشای سریال سیاسی که گرداننده‌ی خام آن برای شان رقم زده است، خسته شده و بی‌صبرانه منتظر

با وجود این نقیصه‌های جدی در کارکردهای مختلف از سوی نهادهای مرتبط با قضیه انتخابات، برخی از سخنگویان این نهادها از فایده‌ی طولانی شدن روند بازشماری آرا و پروسه‌ی انتخابات سخن می‌گویند! به باور این عالی جنابان، طولانی شدن این روند موجب افزایش آگاهی مردم نسبت به انتخابات گردیده

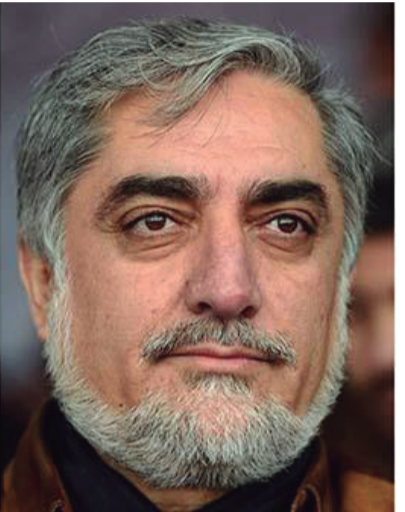
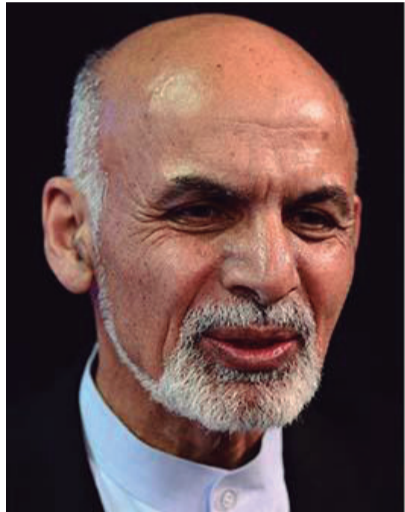
از صبح‌گاهانی که مردمان این سرزمین با رویای تحقق مردم‌سالاری از خواب بیدار شده و برای کاربردی ساختن رای شان در شانزدهم حمل و سپس ۲۴ جوزا به پای صندوق‌های رای حاضر شدند، شش‌ماه می‌گذرد، ولی تاهنوز هم چشمان انتظار مردم آرامش را احساس نکرده‌اند.

مردم در آن زمان خواب سالار شدن در پرتو یک نظام قانونمند و دموکراتیک را می‌دیدند؛ اما تعبیر این رویای شیرین بسی ناصواب از آب درآمد و اکنون شور و هیجان اجتماعی مردم به خستگی و کسالت مفرطی تبدیل شده که دیگر خیال دموکراسی را در سر ندارند، بلکه به امید بیرون رفتن از بن‌بست موجود با هر قیمتی حاضر اند.

رونق بازار کار از بین رفته، نبض اقتصاد کشور از تپش افتاده و حیات اجتماعی در حالت بی رمقی کامل به سر می‌برد. در عین حال بازی‌های بی‌سرانجام برسر آرای مردم و استفاده‌های ابزاری و ناروا از حق مسلم آنان توسط نهادهای غیرمسئول و غیر دموکراتیک، امید همگان را به یأس مطلق تبدیل نموده و بسیاری از شهروندان نسبت به همه چیز و همه کس بی‌اعتماد شده‌اند. این بی‌اعتمادی انتظار هرگونه خدمت را توسط رهبران سیاسی از مردم سلب نموده و کار به جایی رسیده است که گویا «مردم به مرگ گرفته شده‌اند تا به تب راضی شوند.»

شکی نیست که مقصر اصلی و خاستگاه ابتدایی و اساسی این بن‌بست، نهادهای انتخاباتی‌اند که به جای اینکه رهنمودهای عملی شان، فزاینده‌ی قانونی باشد، دیکته‌های مهندسان پشت پرده در کارنامه‌ی شان محور اصلی قرار گرفت. این نهادها بخصوص کمیسیون مستقل انتخابات تاکنون نیز در حالت قبلی قرار دارد و بدون اینکه اراده و برنامه‌ی قاطع و شفاف بر محور قانون داشته باشد، تحت تأثیر دستورهایی فراقانونی قرار داشته و با پیروی از فرمان‌هایی کار را به پیش می‌برد که توسط نهادهای داخلی و خارجی صادر می‌شود.

نکته‌ی قابل تأسف این است که تیم‌های انتخاباتی علی‌رغم آگاهی براین وضعیت دشوار، بازهم به رایزنی‌های مبهم شان ادامه داده و بدون اینکه از نهایی شدن آن خبر دهند، همه روزه از میزهای گرم مذاکره سخن گفته و از میزبانی خوب ارگ ریاست جمهوری یا سفارت‌های خارجی سخن می‌گویند. پس بهتر است با این عالی جنابان گفته شود که «مردم می‌میرند، شما مذاکره کنید



اند تا این سناریو خاتمه یابد؛ مهم نیست که چه کسی در آن برنده بوده و بازنده‌ی آن نیز چه کسی خواهد بود. زیرا با بازی صورت گرفته، مردم و ملت بازندگان اصلی این سناریو بوده و آسیب‌های اصلی و جدی به اقتصاد، معیشت، هویت و اعتبار ملی و مردمی وارد آمده است. تعداد زیادی از شهروندان که ابعاد زندگی شان در پی طولانی شدن این روند به شدت ضرر دیده است حاضر اند تا هرگونه کوتاه آمدن رقبای سیاسی در عرصه‌ی انتخابات را خودگذری و ایثار بنامند، هرچند این امر منجر به حق تلفی یک جانبه گردد.

نکته‌ی قابل تأسف این است که تیم‌های انتخاباتی علی‌رغم آگاهی براین وضعیت دشوار، بازهم به رایزنی‌های مبهم شان ادامه داده و بدون اینکه از نهایی شدن آن خبر دهند،

است. حتی باری سخنگوی کمیسیون انتخابات گفت که این «سود خالص» از پروسه‌ی سریالی انتخابات منجر به ایجاد ظرفیت علمی برای مردم شده است، به گونه‌ای که اکنون هر شهروند عادی قادر به ارائه‌ی تحلیل کارشناسانه از انتخابات است!

به نظر می‌رسد این طنز تلخ سیاسی از زبان مقامات مسوول، نوعی پوزخند به افکارعمومی است که ذایقه‌ی مردم را بیش‌تر از پیش تلخ ساخته و عمق بی توجهی نهادهای مسوول را به خواسته‌ها، نیازها و ضرورت‌های مردمی تبارز می‌دهد. زیرا مردم نان می‌خواهند نه دانش انتخاباتی و شکم‌های گرسنه را علم انتخاباتی اشباع نخواهد کرد، بلکه ایجاد روزه‌های اقتصادی و نان آور به فریاد آنان خواهد رسید. متأسفانه این نهادها با ناکارآمدی و غیرمستقلانه

نامزدان در یک قدمی ...

ادامه از ص ۱

بروز تحرکات و حتی وقوع جنگ نیز دور از تصور نخواهد بود. از انتخابات ریاست جمهوری بیش از ۶ ماه می‌گذرد، اما هنوز مردم انتظار می‌کشند که برای اولین بار شاهد انتقال قدرت بصورت مسالمت آمیز بوده و با گذشته‌ی سرخ این سرزمین خدا حافظی کنند.

کویش در این کنفرانس ویدیویی وضعیت افغانستان را بحرانی توصیف و تأکید کرد: بخاطر بن بست انتخاباتی در این کشور نتوانسته در اجلاس شورای امنیت سازمان ملل به صورت فیزیکی حضور یابد. وی همچنان هشدار داد: اگر تازمان اعلام نتیجه نهایی انتخابات توافقی بر سر اختلافات موجود به میان نیاید امکان

تنها گزینه برای جلوگیری از بروز کشمکش داخلی و بحران در این کشور است. «یان کویش» که روز پنجشنبه از طریق یک کنفرانس ویدیویی در جلسه شورای امنیت در مورد پیشرفت‌های انتخاباتی سخن می‌گفت، اظهار داشت: هیچ راهی بهتر از تشکیل دولت وحدت ملی برای بیرون رفت از وضعیت نابسامان فعلی افغانستان وجود ندارد.

بزرگان جهادی از پیشرفت‌ها در مورد انتخابات ابراز خرسندی کردند و از هر دو کاندیدا خواستند که هرچه زودتر به نتیجه نهایی رسیده و مردم را از سردرگمی نجات دهند.

در همین حال، فرستاده ویژه سازمان ملل متحد برای افغانستان (یوناما) با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که تشکیل دولت وحدت ملی

لندن خوشحال، ...

است، برای دولت ائتلافی دیوید کامرون دشوار و چالش ساز خواهد بود. اما به هر حال باید گفت فعال شدن گسل‌های هویت‌طلبی و تجزیه‌طلبی در درون خاک انگلیس در داخل و خارج این کشور پس لرزه‌هایی خواهد داشت که علاوه بر دولت انگلیس، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا را نیز درگیر خود خواهد کرد. حال ساکنان ایرلند شمالی و ولز نیز از جسارت اسکات‌ها به وجد آمده‌اند و حداقل پیامد همه‌پرسی استقلال برای خود را کسب امتیازات بیش‌تر از وست می‌نستتر می‌دانند.

چشم‌انداز راهبردهای دولت انگلیس در قبال اسکاتلند
اسکاتلند در صورت استقلال می‌توانست با سرانه ثروتی بیش‌تر از جاپان، فرانسه، انگلستان و اغلب کشورهای توسعه‌یافته به چهاردهمین کشور ثروتمند دنیا بدل شود. استقلال موجب می‌شد این منطقه بر نظام مالیاتی خود کنترل داشته باشد و فرصت‌های شغلی بهتر و بیش‌تری را ایجاد کند. حال با رای نیاوردن استقلال، این نگرانی در میان مردم اسکاتلند وجود دارد که امتیازاتی که دولت کامرون و احزاب مخالف استقلال وعده اعطای آن را داده بودند، محقق شود، زیرا در گذشته به ویژه قبل از همه‌پرسی

ادامه از ص ۴

نسبی را در میان آنها تشدید می‌کند. ۸- ارزش‌گذاری به ویژگی‌های فرهنگی اسکات‌ها تا به امروز کم‌رنگ بوده و جدی گرفته نشده و رویکرد دولت انگلیس به ویژه در عرصه رسانه‌ای کم‌توجهی به آن بوده است. به عنوان نمونه، خبرگزاری بی‌بی‌سی به دلیل نوع موضع‌گیری‌هایش با اعتراض اسکاتلندی‌ها مواجه شد.

۹- عمده اسکاتلندی‌ها بر این باورند این منطقه از نظر ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، هویتی و حتی اقتصادی شایسته استقلال است و وست می‌نستتر قابل اعتماد نیست. ۱۰- از نظر عمده اسکاتلندی‌ها دو حزب مهم محافظه کار و کارگر منافع خود را بر خواست مردم اسکاتلند ترجیح می‌دهند. به طور کلی، دولت کنونی انگلیس و دولت‌های آینده مجبورند ضمن توجه به مواردی در بالا اشاره شد، برای کاهش احساس محرومیت نسبتی در میان اسکاتلندی‌ها تلاش کنند و هم‌زمان به مطالبات ساکنان ایرلند شمالی و ولز توجه و گرایش‌های هویت‌طلبانه و تجزیه‌طلبانه آنها را مهار کنند که در مجموع سال‌های پرچالشی را برای دولت انگلیس رقم خواهد زد. منبع: فارس با تلخیص

۴- ارزش‌ها و فرهنگ انگلیس و اسکاتلند متفاوت هستند و اسکاتلندی‌ها بیشتر گرایش‌های سوسیال دموکرات دارند و در حالی که انگلیسی‌ها به طور سنتی گرایش محافظه کاری دارند. بنابراین، اسکاتلندی‌ها درک این تفاوت‌ها از سوی دولت‌مردان انگلیس را ضروری می‌دانند.

۵- اسکاتلندی‌ها با توجه به وجود ذخایر نفت و گاز در خاک خود تأکید دارند سهم رضایت‌بخشی از درآمدهای آن کسب کنند. به ویژه آنکه نفت سواحل اسکاتلند سالانه ۱۲ میلیارد پوند برای اقتصاد انگلیس درآمد ایجاد می‌کند. کشف ذخایر نفتی جدید در سواحل آبردین و جزایر شتلندز اسکاتلند نشان می‌دهد صنعت نفت اسکاتلند همچنان جای توسعه و پیشرفت بیش‌تر را نیز دارد.

۶- به رغم وجود منابع سرشار نفتی و گازی، اسکاتلندی‌ها شاهد فقر بسیاری از مردم ساکنان این منطقه هستند.

۷- در حال حاضر پارلمان محلی اسکاتلند از اختیارات کاملی برخوردار نیست و تصمیماتش باید به تایید دولت مرکزی برسد، این روند با رویکرد هویت‌طلبی و حق تعیین سرنوشت اسکات‌ها در تناقض است و حس محرومیت

۱۹۷۹ نیز چنین وعده‌هایی داشته شده بود. پس از رای منفی به استقلال، دولت ائتلافی انگلیس مجبور است در راهبردهای خود در قبال اسکاتلند نکات مهمی که طرفداران استقلال اسکاتلند مطرح می‌کردند، مد نظر قرار دهد، در غیر این صورت و با نقض وعده‌های خود با چالش‌های جدی رو به رو خواهد شد:

۱- استقلال اسکاتلند به حضور نمایندگان این منطقه در پارلمان اروپا و جامعه بین‌الملل مستقل از انگلستان منجر و سیاست‌های مالی در اسکاتلند تعیین می‌شد. این چشم‌انداز سقف مطالبات مردم اسکاتلند از دولت انگلیس را به ویژه به دلیل رای نیاوردن استقلال بالا برده است. ۲- پیروزی و قدرت‌یابی ائتلاف محافظه کاران و لیبرال دموکرات‌ها در حالی صورت گرفته بود که می‌توان گفت این ائتلاف مشروعیت حاکمیت در اسکاتلند را که در آن محافظه کاران تنها یک کرسی پارلمان را به دست آوردند ندارد.

۳- حزب محافظه کار عملکرد و حضور بسیار ضعیفی در اسکاتلند دارد. این حزب برخلاف حزب کارگر، در اسکاتلند محبوب نیست. در واقع، قدرت‌یابی دولتی محافظه کار به معنای عدم نمایندگی از سوی مردم اسکاتلند است.

صلح ادبیات،

جنگ سیاست

حسین سنپور



این‌ها با هم بیگانه اند، و بهتر که هرکدام کار خود را بکنند. آیا در این چند دهه و در تجربه‌ی سیاست‌مداران مان با اهل ادبیات چیزی غیر از این دیده‌ایم؟ مگر آنها که به ظاهر در آغاز یکی بوده‌اند و هم فکر و هم دل و هم راه، کم‌کم راه‌شان از هم دور و جدا نشده است؟ و هنوز نمی‌شود؟ و مگر سیاست‌توانسته اهل ادبیات را با خود مدتی طولانی هم راه داشته باشد؟ چند نفر را (که واقعا ادبیات کارشان باشد، نه البته سیاست‌مداران را که فقط لباس ادبیات پوشیده‌اند)؟ فرقی هم نمی‌کند یوزیسیونی باشد یا ایوزیسیونی، حکومتی باشند یا مخالف حکومتی.

به گمانم در اهل ادبیات اگر هم در دو سه دهه‌ی پیش کسانی بودند که خیال می‌کردند می‌توانند از یکی به نفع دیگری استفاده کنند، اکنون به وضوح این نکته رسیده‌اند که راه این‌ها از هم جدا است. بی‌جهت نیست که تعداد ادیبان سیاست‌نویس مان بسیار اندک است (اگر وجود داشته باشد) و سیاست‌کاران ادیب مان هم اندک. چون هر کدام خوب فهمیده‌اند که یکی برای صلح است ذاتا و دیگری برای جنگ، ذاتا.

را تبلیغ کند. البته به این شرط که بیابنه و شعار نباشد. چیزی از گوشت و پوست و حس نویسنده و شخصیت‌ها هم در حرف‌هایش باشد. و سیاست در بهترین شکلش خود را از سر راه ادبیات کنار می‌کشد تا آن به راه خود برود و این به راه خود. فقط می‌پذیرد که ادبیات از جنس او نیست و در کار او نیست و

نویسنده و آن نوشته را. و تازه کمی پیش‌تر با خودمان آشنا می‌شویم. پس نزدیک می‌شویم در عین دوری. از راه درون دیگری و حتا نفرت‌هایش به خودمان می‌رسیم و یگانه‌گی بشر. و این به گمان من یعنی صلح. این‌که بدانی دیگری غیر نیست و از جنس دیگری نیست و خودت با کمی تفاوت در ظاهر و اندک و بیش بودن در بعضی خصلت‌ها، وگرنه از همان عشق و نفرت و وفاداری و غرور و غیره و غیره‌یی که در تو هست، در او هم هست، کمی پیش‌تر یا کمتر. و این یعنی صلح. و صلح یعنی یگانگی.

اما سیاست. سیاست یعنی من باشم و تو نه. من می‌توانم و تو نه. من اینم و تو آن. و یعنی خط‌هایی که هر چه کم‌رنگ و پررنگ شوند، باز هستند. و هر چه پررنگ تر، به مقصود نزدیک‌تر. بهتر برای دفع دیگری و خود را در مقام برتر و تصمیم و سیاست نشانند. سیاست یعنی فاصله، و یعنی جنگ، در هر شکل و حدی.

مقامات مسئول فرهنگ ما وقتی با زبان دفع حرف می‌زنند و خط‌کشی می‌کنند بین ما و خودشان، بین ما و دیگری، بین خودشان و خودشان، در واقع با زبان سیاست با ما حرف می‌زنند، نه با زبان ادبیات. به همین خاطر است که در این چند دهه دیده‌ایم که هر مقامی که به ادبیات نزدیک‌تر بوده، کمتر هم اهل حذف بوده است، کمتر از زبان سخت و تند استفاده کرده و خواسته تا چنین و چنان شود. و برعکس. بد نیست از هر مقام مسئول فرهنگی بیرسیم در هفته و در ماه چند کتاب ادبی می‌خواند، و یا اصلا کتاب. و یا اصلا چه قدر کتاب خوانده و چه کارهای ادبی‌یی، که حالا مسئول فلان سمت در کار کتاب و ادبیات شده است. خوب، آن‌ها که می‌توانند، بیرسند، و اگر می‌توانند مقایسه بکنند بین همین مسئولین این دهه و دهه‌های پیش، یا اصلا با مقامات فرهنگی کشورهای دیگر. تا شاید بخشی از مشکلی که اکنون در وضعیت نشر کتاب، دست کم، با آن روبه رویم، روشن شود. بخشی‌اش لااقل.

آیا ادبیات صلح و ادبیات جنگ داریم؟ همه‌ی آن چه گفتم و فکر می‌کنم، به من می‌گوید نه. ادبیات نمی‌تواند منادی جنگ باشد، حتا اگر مربوط به جنگ باشد و حتا اگر بخواهد جنگ

حالا پیش‌تر از هر زمان دیگری فکر می‌کنم ادبیات و سیاست ذاتا متفاوت اند و حتا شاید متعارض هم. هرچه به سیاست نگاه می‌کنم، در آن تمرکز و دفع می‌بینم و هر چه به ادبیات فکر می‌کنم و هر چه کار ادبی را به یاد می‌آورم، چیزی جز نزدیکی و همدلی و پذیرش کمتر نمی‌بینم، هر چه هر که آن کار با خشم و حتا نفرت و خودخواهی نوشته شده باشد. به یاد ندارم کار خوبی ادبی‌یی خوانده باشم و با همه‌ی تلخی و بداندیشی که در نوشته‌ها گاهی وجود داشته، باز احساس دوری کرده باشم از متن و حتا از نویسنده اش. چه بسیار آثار ادبی که ما را به نویسنده‌هایشان پیوند زده‌اند، به رغم این که از نظر فکری و منشی و سیاسی و اعتقادی با‌هایشان اختلاف داشته‌ایم و چه بسیار نویسنده‌هایی که ترجیح داده‌ایم که از خودشان و حرف‌هایشان دور باشیم تا به آثارشان نزدیک بمانیم.

ادبیات از چه حرف می‌زند؟ از سیاست، اجتماع، آرمان‌ها، اعتقادات؟ بلی، به ظاهر از همه‌ی این‌ها، اما به واقع نه. ادبیات از درون حرف می‌زند، از درون آدم‌ها و همه‌ی آن‌چه که آن‌ها را درگیر این سیاست‌ها و اعتقادات و اجتماعات و غیره نگه داشته است. و این به کل متفاوت است با حرف زدن از خود آن مقالات. ادبیات به ما می‌گوید چرا من به این اعتقاد دارم و سرچشمه‌ی عشق و نفرتم کجاست، و نه این‌که فقط از آن عشق و نفرت بیابنه بسازد. آن کار سیاست است. ادبیات به ما می‌گوید ما چه قدر پیچیده‌ایم و زیر تاثیر چه پیچیدگی‌هایی زندگی می‌کنیم و چه طور از عشق به جنگ می‌رسیم و از نفرت به نجات‌یافتن و از اعتقاد به بی‌اعتقادی و از بی‌اعتقادی به ایمان و باور. ادبیات این مسیر را می‌گوید و ما را آشنا می‌کند با درون مان و با درون دیگری و می‌رساند ما را به صلح با خودمان، با درون مان، و به صلح با دیگری، از راه درک کردنش.

ادبیات حتا اگر با نفرت هم نوشته شود، اگر واقعا ادبیات باشد، ما را با حس و درون کسی و کسانی آشنا می‌کند. می‌رساند ما را به نهایت به چیزی از جنس‌همان‌که در خود ما هم هست. می‌فهمیم که ما هم سرچشمه‌های همان نفرت را در خودمان داریم. می‌فهمیم که آن نفرت از کجاها ریشه می‌گیرد و با چه پرورنده شده. پس حتا اگر بد مان بیاید، درک می‌کنیم آن

تعهد اجتماعی در ادبیات

یکی از مسائلی که در ادبیات مورد بحث گسترده و دایمی قرار گرفته مسأله‌ی تعهد نویسنده و رسالت ادبیات نسبت به جامعه و وضع زندگی مردم می‌باشد. البته این بحث را می‌توان از زمان افلاطون و ارستو بدین‌سو دنبال کرد اما بعد از قرن هجده و سرنکونی ناپلیون در حوالی قرن نوزده زمینه‌ی این بحث را بیش‌تر مساعد ساخت و تحول عجیبی را در ادبیات اروپا به طور خاص و ادبیات جهان به طور عام به وجود آورد و از آن زمان به بعد ادبیات، یار مردم فقیر و طبقه‌ی فرو دست جامعه شد و با دیگر نهادهای اجتماعی یکجا در راه تعالی جامعه قدم برداشت. چنانچه قبلاً اشاره نمودیم مسأله‌ی تعهد اجتماعی در ادبیات اروپا بعد از قرن هجده شدت گرفت و مکاتب بزرگ ادبی، اجتماعی و اقتصادی بر پایه‌ی آن بنا نهاده شد. این اندیشه با وفول مکتب رومان‌تیزم و به وجود آمدن نوع رومان‌تیزم اجتماعی در اروپا از سال (۱۸۱۴) به بعد شکل گرفت و با به وجود آمدن مکتب ریالیزم در دهه‌ی سی قرن نوزده بیش‌تر از پیش مطرح شد و بعد از نهادینه شدن اندیشه‌ی مارکسیستی در جامعه و بعداً انقلاب اکتوبر در روسیه به حد کمال خود رسید. اینک به تشریح دیدگاه‌های یک مکتب طرفدار به مسأله‌ی تعهد اجتماعی در ادبیات به عنوان نمونه می‌پردازیم.

رومان‌تیزم سوسیالیستی و تعهد اجتماعی این مکتب در اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزده توسط بعضی از نویسندگان اروپایی مانند « ویلیام بلیک، کالریج، گویتیه، شیلر، ویکتور هوگو، شاتوبریان، مانتسونی، تنکز و --- بنیان گذاشته شد» (۱۹۲/۱) - رومان‌تیزم را می‌توان در دو مرحله‌ی مشخص مورد مطالعه قرار داد: یکی مرحله‌ی پیش از سال ۱۸۱۴ مرحله‌ی اول و رومان‌تیزم احساسی می‌باشد



و دیگری مرحله‌ی بعد از سال ۱۸۱۴ که مرحله‌ی دوم و رومان‌تیزم اجتماعی است - مسأله‌ی تعهد اجتماعی در مرحله‌ی دوم آن قابل بحث است - « نویسندگان رومان‌تیزم اجتماعی در فرانسه کسانی بودند که واقعیت‌های زندگی را بهتر و ملموس‌تر از نویسندگان رومان‌تیزم احساسی درک می‌کردند و از فردگرایی افراطی آن‌ها بدور بودند و به جامعه و مسایل آن علاقه نشان می‌دادند و این افکار از توجه به اکثریت محروم جامعه سرچشمه می‌گرفت و دلیل عمده‌ی دور شدن این نویسندگان از رومان‌تیزم احساسی و تلاش آن‌ها برای رومان‌تیزم اجتماعی سقوط امپراتوری ناپلیون (۱۸۱۴) و فکر تغییر اجتماعی در جامعه‌ی آن روز فرانسه می‌باشد» (۴۹۱/۴)

این نویسندگان که از متن طبقه‌ی متوسط و پایین دست جامعه برخاسته بودند، بعد از سقوط امپراتوری ناپلیون راه‌شان را تغییر دادند و به دفاع ازین طبقه برخاستند و بر ضد استبداد مذهبی و بورژواهای که اکثریت پیوستگی مستحکمی با کلیسا نیز داشتند به مبارزه پرداختند. این‌ها دیگر به فرد نمی‌اندیشیدند بلکه فکر شان را به جامعه معطوف کرده بودند و به سوی یک جامعه‌ی بدون طبقاتی در حرکت بودند که بعد ها مارکس این راه را به هدف رساند.

« این نویسندگان برای رسیدن به این اهداف اجتماعی خود ادبیات را وسیله قرار می‌دادند و آن‌ها با خلق آثار ادبی وضعیت اجتماعی شان را برای جامعه به معرفی می‌گرفت و مردم را بر ضد نظام سرمایه داری تحریک می‌نمودند، آن‌ها با انتخاب قهرمان‌ها از طبقه‌ی متوسط و فرودست ؛ به ذهن مردم القا می‌نمودند که شما باید حکومت را به دست خود بگیرید و حکومتی را بسازید که مطابق خواست خود تان باشد، آن‌ها با انتخاب شخصیت داستان از طبقه‌ی فرودست می‌خواستند به مردم بگویند که هر کدام شما قهرمانی هستید اگر بخواهید هر کاری را انجام داده می‌توانید -

سامری‌ها فریب مان دادند

کولیان جنوب شیکاگو، نوجوانان شاخ آفریقا
دختران جوان اورشلیم، موبدان قلمرو بودا
همه در انتظار یک روزن در دل برگ‌های تقویمند
چشم‌شان خیره مانده سوی اقق، دل‌شان در امید فرادها...
کودکان گرسنه‌ی هایتی، مادران اسیر بحرینی
بغض دارند، بغض دلتنگی، گله دارند از خدا حتی
بوی باروت می‌رسد از مصر، از یمن بوی تند خودسوزی
بچه‌های یتیم غزه هنوز ناامیدند از همه‌ها...
...
بیت پنجم رسید و تا اینجا شش نفر از گرسنگی مردند
درد تو چیست جز یتیمی که بی غذا مانده آن سوی دنیا
ما هم این گوشه از جهان خوبیم، حال مان... ای... بدون تو بلد
نیست...
سامری‌ها فریب مان دادند، دور دیدیم چشم موسی را

محمد جواد الهی پور

صاحب امتیاز و سردبیر: دکتر عبدالهادی محسنی مدیرمسئول: محمدرضا نعیمی ۰۷۸۹۰۱۰۰۷۶

صفحه آرا: علی محمدی گزارشگر: محمد تقی جعفری

مسئول آئی تی: محمد سعید مسوول ارتباطات و امور توزیع: نسیم صالحی ۰۷۷۵۹۱۴۰۲۲

اعضای هیئت تحریر: علی بنیادی، ذکیه غزنوی و ابوذر ارجمند آدرس: کابل - دهمزنگ - جاده سوم حوت - عقب نمایندگی شارب - محب زاده پلازما نمبر ۲ - منزل دوم

پست الکترونیکی: sokhanejadid@yahoo.com وبسایت: www.sokhanejadid.tk فیس بوک: www.facebook.com/sokhanejadid

سخن جدید فقط مسوولیت حقوقی سرمقاله را می‌پذیرد. چاپ: مطبعه ستاره شماره تماس: ۰۷۹۶۶۰۰۰۰۹ - ۰۲۰۲۲۳۰۰۸۳ - yama_isar@yahoo.com

پون گذارد فشت اول بر زمین معمار که
گر رساند بر فلک، باشد همان دیوار که
می‌کند یک جانب از فوان تهی سرپوش را
هر سبک مغزی که بر سر می‌نهد دستار که
مائب تبریزی

رأی منفی به استقلال اسکاتلند؛

لندن خوشحال، اما نگران

حمید نیکو



سرانجام همه پرسى نفسگیر استقلال اسکاتلند به پایان رسید و گزینه‌ی استقلال در رقابتی تنگاتنگ رأی نیاورد و لندن نشین‌ها از کابوس «طلاق تلخ و دردناک» اسکاتلند از خاک انگلیس رها شدند، اما این تازه ابتدای راه است. حال با امتیازاتی که دولت دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس وعده آن را به اسکاتلندی‌ها داده، انگلیسی‌ها باید از امروز در تدارک دادن این امتیازات به اسکات‌هایی باشند که عمدتاً خود را یک ملت متمایز از انگلیس می‌دانند. فعال شدن گسل‌های قومیتی اسکاتلند علاوه بر داخل انگلیس که ساکنان ایرلند شمالی و ولز را نیز به تکاپوی کسب امتیازات هویت خواهانه از انگلیس انداخته، به سراسر اروپا کشیده شده است.

دورنمای سیاسی انگلیس نشان می‌دهد این امتیازاتی که دولت انگلیس وعده‌ی آن را به اسکات‌ها داده، می‌تواند به چالش سیاسی برای پویایی سیاسی دولت ائتلافی دیوید کامرون تبدیل شود. در واقع، مهار این مساله در کنار سایر مسایل از جمله مسایل اقتصادی و تنظیم روابط با اتحادیه اروپا که دولت انگلیس با آن دست به گریبان

شکارچی‌های جاسوسی!

درست یا غلط، هنوز هم بسیاری از مردم تصور می‌کنند اگر شخصی قصد جاسوسی از آن‌ها را داشته باشد، با لباس تیره و کلاه به تعقیب آن‌ها در جاده می‌پردازد یا با استفاده از دوربین‌های عکاسی و یا از طریق کار گذاشتن تجهیزات شود در محل کار یا منزل آن‌ها، برای گردآوری اطلاعات محرمانه تلاش می‌کند.

این در حالی است که جاسوسان امروزی بر خلاف فیلم‌ها و داستان‌های جاسوسی، تمام ابزارهای قدیمی را کنار گذاشته و مستقیماً به سراغ کامپیوترهای می‌روند.

متأسفانه بخش اعظم فناوری‌هایی که شهروندان عادی در طول روز با آن‌ها سروکار دارند، اطلاعات دقیقی در باره رفتارها و عملکرد روزانه شخص در اختیار هکرها و ماموران سازمانی می‌گذارد.

صرف‌نظر از حساب‌های کاربری شبکه‌های اجتماعی، جستجوهای انجام شده در اینترنت و هر ردپای دیجیتالی دیگری که در اینترنت به جای می‌گذارد، دوربین‌های دیجیتالی تجهیزات مختلف از جمله گوشی تلفن همراه یا لپ‌تاپ خودتان یا سایرین، ابزار کارآمدی برای جاسوسان یا هکرها محسوب می‌شود؛ چراکه این دوربین‌ها را می‌توان به سادگی از راه دور فعال کرد.

چندی قبل یک روزنامه‌نگار مستقل، در کنفرانسی که در آلمان برگزار شد، مدارکی را در رابطه با استفاده سازمان امنیت ملی ایالات متحده از گوشی‌های iPhone به عنوان ابزار شنود مکالمات، افشا کرد. البته این سوء استفاده از



تجهیزات همراه به همین جا ختم نمی‌شود و سازمان امنیت ملی قادر است از امکانات مختلف گوشی همراه

از جمله انتقال فایل، صندوق صوتی، میکروفون، دوربین عکس برداری و فیلمبرداری، موقعیت‌یابی و غیره استفاده کند. این در حالی است که شرکت اپل مدعی است هرگز امکان دسترسی به گوشی‌های تلفن و سایر تجهیزات خود را برای سازمان امنیت ملی فراهم نکرده و حتی از این موضوع بی‌اطلاع است.

خدمات جدید تلویزیون اینترنت‌ای، مستلزم نصب یک دوربین دیجیتالی روی دستگاه تلویزیون هستند تا امکان کنترل عملکرد تلویزیون توسط حرکات فیزیکی کاربر فراهم شود. اما این دوربین‌های دیجیتالی نیز مانند دوربین‌های تلفن همراه و لپ‌تاپ، به سادگی از راه دور فعال می‌شوند و امکان جاسوسی را فراهم می‌کنند.

در بسیاری از مراکز تفریحی امروزی، از پارک‌های بازی گرفته تا استخرهای عمومی، برای استفاده از امکانات مختلف از دستبندهای RFID، نام اختصار عبارت Radio Frequency Identification به معنی تشخیص هویت با استفاده از فرکانس رادیویی، استفاده می‌شود.

فناوری RFID امکان ردگیری فعالیت‌های اشخاص را به طور دقیق فراهم می‌کند و اطلاعات زیادی را درباره شخصیت آن‌ها در اختیار می‌گذارد. در صورتی که یک هکر یا جاسوس به سامانه کنترل کننده این دستبندها نفوذ کند، می‌تواند به تمام این اطلاعات دسترسی یابد.

مفهوم خانه هوشمند که اخیراً با ظهور اینترنت اشیا پا به عرصه وجود گذاشته است، با استفاده از فناوری‌هایی مانند RFID، شبکه حسگرها، سرورهای توکار با ابعاد کوچک و تجهیزات مختلف جذب انرژی، می‌تواند امکانات فوق‌العاده‌ای را در اختیار کاربران قرار دهد؛ به گونه‌ای که تمام فعالیت‌های روزمره شخص در منزل از نوشیدن قهوه و جای گرفته تا ضبط برنامه‌های تلویزیونی مورد علاقه، به صورت خودکار برنامه‌ریزی و اجرا شود. اما اطلاعات ثبت شده در حافظه کامپیوترها می‌تواند برای صاحبان خانه‌های هوشمند دردسرساز شود و در صورت نفوذ هکرها یا جاسوسان به سیستم کامپیوتری خانه، همه چیز، از سیستم امنیتی منزل گرفته تا سیستم تهویه هوا، آسیب پذیر خواهد بود.

امروزه از تجهیزات طبی مختلفی برای درمان و دارورسانی به بیماران استفاده می‌شود که برخی از آن‌ها برای مدت طولانی به بدن شخص متصل می‌شوند. چندی قبل یک هکر به نام «بارنی جک» نشان داد که به سادگی می‌توان چنین تجهیزاتی را هک کرد و برای مثال با تزریق دوز کشنده انسولین به یک بیمار دیابتی با استفاده از کامپیوتر و از فاصله ۱۰۰ متری، می‌توان او را به قتل رساند. گرچه زندگی امروز با استفاده از تکنولوژی ساده‌تر شده است ولی همین ابزار می‌تواند عامل ترس و وحشت و برهم زدن آرامش باشند.

سفر اوباما به بغداد در روزهای خوش عراق

استفاده از زور به آمریکا و هم‌پیمانان آن علیه داعش، تشکیل جلسه دهد.

گفته می‌شود که هدف از سفر منطقه‌ای اوباما، حمایت از دولت‌های منطقه در برابر داعش است، اما تحلیل‌گران عراقی معتقدند پیش‌تر کشورهای منطقه‌ای هم‌پیمان آمریکا عملاً در ایجاد و قدرت گرفتن این گروه نقش داشته‌اند.

حیدر العبادی روز پنجشنبه گذشته به صراحت اعلام کرد که تروریست‌ها از طریق خاک ترکیه و سوریه وارد عراق می‌شوند.

ترکیه به همراه عربستان، قطر و اردن، چهار کشوری هستند که به گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه از جمله داعش کمک‌های مالی و تسلیحاتی فراوانی کرده و معابر و گذرگاه‌های خود را برای تردد این گروه‌ها بازگذاشته‌اند.

امریکایی‌ها که در جریان حملات داعش از حدود سه ماه پیش و تهدید جدی داعش علیه بغداد و کشتارهای بی‌رحمانه غیرنظامیان بی‌تحرك و منفعل بودند، به دنبال پیروزی‌های اخیر ارتش و مدافعان مردمی در عراق، یک ائتلاف ضد داعش تشکیل دادند.

ناظران عراقی، نسبت به تحركات جدید آمریکا در بسیج کشورهای هم‌پیمان خود با دیده تردید نگاه می‌کنند و اعتقادى به نیت آنان در جنگ علیه داعش ندارند. در این ائتلاف که اولین نشست خود را هفته گذشته در پاریس برگزار کرد، هیچ‌یک از کشورهای اصلی متولی نبرد با داعش و گروه‌های تروریستی حضور نداشتند.

روز پنجشنبه گذشته شنیده شد که باراک اوباما رییس جمهور آمریکا قرار است طی روزهای آینده برای حمایت از عراق در جنگ علیه داعش به بغداد سفر کند؛ حمایتی که به عقیده بسیاری از ناظران عراقی، کمی دیرهنگام است.



این دیدار احتمالی اوباما، در روزهایی اتفاق می‌افتد که اخبار و گزارش‌های دریافتی از مناطق عملیاتی در عراق، حکایت از پیروزی‌های جریان مقاومت در برابر گروه تروریستی داعش دارد.

منابع پارلمانی در عراق گفته‌اند که انتظار می‌رود اوباما در سفر منطقه‌ای اش، سری هم به بغداد بزند و ضمن اعلام حمایت از دولت عراق در جنگ علیه تروریسم به العبادی به خاطر تشکیل دولت جدید تبریک بگوید.

این منابع گفتند که شورای امنیت سازمان ملل قرار بود پنجشنبه شب به ریاست جان کری، با هدف اعطای حق

تلاش القاعده برای حمله موشکی

به کشتی‌های امریکایی در پاکستان

القاعده هند اما در صفحه توئیتر خود می‌گوید که عواملش این شناور را تسخیر کرده و وقتی در حال حرکت به سمت



ناوهای نیروی دریایی آمریکا در اقیانوس هند بوده‌اند، با حمله گروهی دیگر از شناورهای نظامی پاکستان مواجه و متوقف شده‌اند.

تروریست‌های القاعده با ورود به یک شناور نیروی دریایی پاکستان در ساحل کراچی، برای حمله به یک ناوگروه امریکایی تلاش کردند.

به نقل از شبکه خبری سی‌ان‌ان، شاخه جدید القاعده هند که پیش از این با انتشار اعلامیه‌ای حضور خود را اعلام کرده بودند، با حمله به یک کشتی نظامی متعلق به ارتش پاکستان، در صدد حمله به کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا در اقیانوس هند برآمدند. بر اساس این گزارش، این حمله دو هفته پیش (شنبه ۱۵ سنبله) انجام شده و بر اساس اعلام ارتش پاکستان، ۳ تروریست کشته و ۷ تن دیگر بازداشت شده‌اند، در اعلامیه ارتش پاکستان صراحتاً به ورود و یا عدم ورود تروریست‌ها به شناور «بی‌ان‌اس کراچی» اشاره‌ای نشده است.

ارتش گفته که حمله به یک شناور نظامی در ساحل کراچی، بدون کمک گرفتن از عوامل داخلی غیرممکن است و این موضوع توسط دفتر اطلاعات ارتش پیگیری می‌شود.

بزرگ‌ترین رقبای اقتصادی تاریخ

۶- بوئینگ و ایرباس (Boeing vs. Airbus)

این داستان فقط در مورد هواپیما نیست. صنعت ۱۶۰ میلیاردی حمل و نقل هوایی اگر از غرور ملی بگذریم برای اقتصاد ملی و مشاغل هزاران نفر ضروری و اساسی است.

در ابتدا بوئینگ بر بازار مسلط بود اما ایرباس که یک شرکت تابعه از غول دفاع فرانسوی آلمانی EADS است در سال ۲۰۰۳ پیشی گرفت. از آن زمان به بعد تنش‌های سیاسی بسیار زیاد شد و هر دو طرف به انتشار بیانیه و نوشته‌هایی در مورد خلاف و غیرقانونی بودن کارهای دیگری پرداختند.

هر دو طرف از این کارها هدف دارند. یک نشت خبری در سال ۲۰۱۱ یک نامه شخصی را از جورج بوش به ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی نشان می‌دهد که از او درخواست خرید جت بوئینگ را داشت. و ایرباس میلیاردها دالر سوئیس دریافت کرد.

۷- مک دونالد و برگر کینگ (McDonald vs. Burger King)

ری کراک بنیانگذار شرکت مک دونالد شدت رقابت در کسب و کار فست فود را در گفته‌ای در مورد رقیبان خود نشان داد: «اگر آنها در حال غرق شدن باشند خودم آنها را به زیر آب می‌برم». در صنعت فست فود هیچ دو برندی به اندازه مک دونالد و برگر کینگ بر سر وفاداری مشتریان جنگ نداشته‌اند.

این رقابت به اواسط قرن ۲۰ زمانی که هر دو شرکت در صحنه ملی ظاهر شدند و بر سر قلمرو و فرانسیز می‌جنگیدند آغاز شد. کسب و کار برگر در مورد خوردن و شکم است، در نتیجه راه‌های بسیاری برای نوآوری وجود دارد. بنابراین کپی کردن ایده‌های رقبا حرکتی همیشگی و استاندارد است. برای مثال

ساندویچ بیگ مک مک دونالد در سال ۱۹۶۸ برای پرخورها ایجاد شد. برگر کینگ زمانی که دید نمی‌تواند با همبرگر ۱۵ سنتی مک دونالد رقابت کند تصمیم گرفت برگر بزرگتری را به قیمت ۲۷ سنت بفروشد.

اما در سال ۱۹۸۲ برگر کینگ پس از پخش کمپین تبلیغاتی که ادعا می‌کرد مشتریان ساندویچ‌های بزرگ مک دونالد و ون‌دی را ترجیح می‌دهند جنگ تمام‌عیار را اعلام کرد. هر دو فست فود زنجیره‌ای برای تبلیغات نادرست و گمراه کننده تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند. برگر کینگ در سال ۱۹۹۲ به دوران طلایی خود بازگشت، این بار با شعار «طعمی بهتر از مک دونالد» و مک دونالد دوباره با کمپین تبلیغاتی خود عقب ماند.

این رقابت داغ با رفت و آمد زیاد مدیران و مالکان سرد شد و به مک دونالد در پیشی گرفتن کمک کرد. در سال ۲۰۱۱، برای اولین بار در تاریخ، ون‌دی از برگر کینگ پیشی گرفت و در رتبه دوم فروش برگر قرار گرفت. اندرو اسمیت که مدرس تاریخ غذا در دانشگاه است می‌گوید: «در آمریکا مک دونالد برنده است». اما برگر کینگ نیز هنوز از رقابت خارج نشده است؛ در ماه فیوروری این فست فود زنجیره‌ای وارد آخرین نبرد فست فودی یعنی جنگ‌های قهوه شد و اعلام کرد یک خط تولید از نوشیدنی‌های دارای قهوه را در یک همکاری با استارباکس که بهترین نام تجاری قهوه در سیاتل است را آغاز کرده است.